

حقوق و جزای عمومی ۱

گردآورنده: محمدامین شریفی

استاد: دکتر فجری

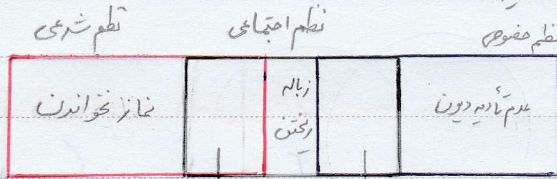
حقوق و جزای عمومی تقسیم می شود به: ۱- جرم ۲- مجرم ۳- مجازات

تعریف جرم ← فعل یا ترک فعل که جامعه آن را به دلیل اختلال در نظم اجتماعی به قصد ضمانت اجرای کیفری منع کرده است. [رفقاری که نظم اجتماعی را بهم می زند در قانون برای آن مجازات تعیین شود]

قانون ← قانون چیزی است که فقط توسط مجلس شورای اسلامی تصویب می شود.
مقررات ← مجموعه ای از آیین نامه ها و بخش نامه ها گفته می شود.

نکته: قانون بر اساس سیاست های نظام نوشته می شود.

نظم اجتماعی ← یک اصطلاح نسبی است. بین نظم اجتماعی در ایران دارای یک معنا و در کشور دیگر دارای معنای دیگری است.



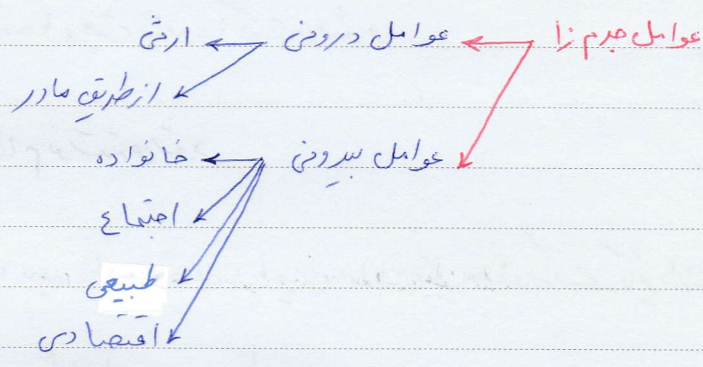
ترد نظم همسر به راه رفتن مالی / شودت دروغ دادن

نکته: به برهم زدن نظم اجتماعی جرم گفته می شود که قانون نذار برای آن مجازات تعیین کرده است البته این طور نیست که هر برهم زدن نظم عمومی جرم باشد زیرا قانون نذار فقط آن برهم زدن نظم اجتماعی را جرم می نامند که از اهمیت بالایی برخوردار باشد پس کسی که زباله در خیابان می ریزد مجرم نیست هر چند نظم اجتماعی را برهم زده است.

نکته: طریق آمارگیری از جرائم ← بهترین راه آمار گرفتن از طریق دادگاه ها و محکم های صادر شده است.

حبرائتم ← طبیعی ← حبرائتم که در تمام مکان ها جرم شناخته می شود مانند قند که در تمام کشور ها جرم

محسوب می شود.
← قدر اداری ← حبرائتم که قانون گذار آن را وضع کرده و ممکن است در کشور دیگری جرم
محسوب نشود مثل ماهواره که در ایران جرم است و این توانی بخاطر
رعایت کردن مصالحه می باشد.



ارتباط حقوق کیفری با حقوق عمومی و حقوق خصوصی

حقوق عمومی [حقوق اساسی، کیفری، اداری]
 اکثر در جامعه جرم رخ دهد به عموم مرتبط است و لو جرم بین ۲ نفر باشد، پس حقوق کیفری زیر مجموعه
 حقوق عمومی است.
 اکثر حقوق اساسی را رعایت نکنند مجازات آن در حقوق کیفری ذکر شده است، پس
 حقوق کیفری با حقوق اساسی در ارتباط است.

حقوق دولتی: مجموعه قوانین و مقرراتی که بران تأمین سازمان و نهاد های دولتی وضع شده است
 و در ارتباط کارکنان دولتی و حدود اختیارات آن را در حفظ مصالح دولت تنظیم
 می کند.

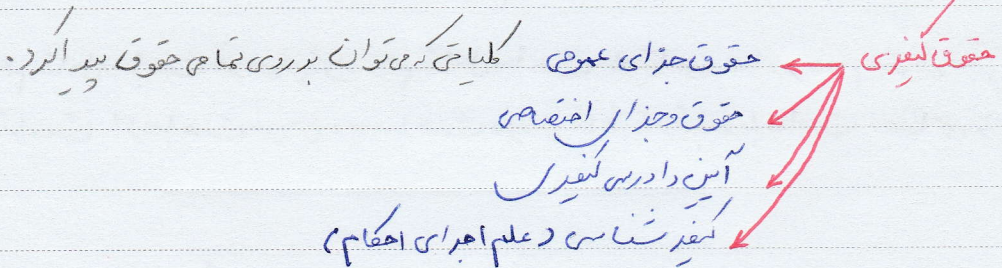
نکته: رابطه ای حقوق کیفری و ادارتی دو طرفه است.
 حقوق کیفری با حقوق بین الملل عمومی هم در ارتباط است.

حقوق خصوصی I حقوق مدنی - حقوق تجاری [درست]

برخی از حقوق مدنی با حقوق کیفری در ارتباط است. مثل اینکه شوهر نطق همسر را ندهد که بعد از طی مراحل قانونی در برخی موارد به حقوق کیفری منقذ می شود.
(حقوق تجاری مثل جعل چک - کم فروشی در زمان جنگ)
حقوق کیفری داخل در حقوق اده و حقوق الناس می شود.
← معاریب ← قتل

نکته:

برای تمامی حقوق اخلاقی مجازات تعیین شده است بلکه برای موارد خاصی مجازات تعیین شده است.



تمامی جرائم باید دارای ۳ عنصر باشند:

- ۱- قانونی باید در قانون جرم باشد
- ۲- مادی کار را باید حتماً انجام داده باشد
- ۳- روانی جرائم باید به سوء قصد و نیت جرم باشند

نکته:

برخی از موارد نیاز به برخی از عناصر ندارند مثل قتل یعنی نیاز نیست که حتماً انجام داده شود بلکه شروع به انجام قتل هم جرم است.

- ✓ در حقوق و جزای خصوصی بحث دلیلی عملیاتی است و در آن برخی تصدیق ها وجود دارد.
- ✓ آئین دادرسی کیفری قواعدی را اجب گفت و تحقیق و حکم جرائم مطرح می شود.
- ✓ دادگستری مجموعه ای از دادستان، دادگاه، دادسرا و... است.

حقوق کفیری [در روش حقوق کفیری از علوم دیگر استفاده می شود]

- ۱- علم جرم شناسی ← مجموعه ای از دانشهای کشف جرم
- علم سم شناسی
- پس علم [تعیین نوع اسلحه ، کاغذهای جعل و ...]
- پزشکی قانونی [تحقیق در مورد علل پدید آمدن از مرگ ، بوق رفتن ، جرائم جنسی و ...]

- ۲- علوم روانشناختی و روان پزشکی [حسادت - تکوانی - ترس]
- ۳- علوم اجتماعی [تأثیر عوامل محیطی - قحطی - انقلاب - جنگ و شورش]
- ۴- علوم پزشکی [عوامل نه در جرم زایی تأثیر دارند]

نکته: جرم در اسلام ، هم شامل مباحث فردی می شود و هم شامل مباحث اجتماعی اما در جرم حقوق مباحث اجتماعی پررنگ تر است از مباحث فردی و به مباحث فردی بخاطر ارتباط با مباحث اجتماعی ربط می خورد.

تفاوت جرم کفیری و جرم مدنی [کفیری مثل قتل مدنی مثل به غیر حق ضرر و رابطه نیز مدنی است]

- ۱- از لحاظ قانونی ← کفیری تنها در قانون مشخص شده است اما مدنی هر نوع فعل زیان آوری است که مبتنی بر تفسیر است که قانون نیز آن را مشخص کرده است.
- ۲- از لحاظ مادی ← جرم کفیری ملکی است متعلق از هر نوع ضرر و زیان باشد اما در جرم مدنی تنها با بر ضرر و زیان وارد شود کفیری مثل حمل اسلحه
- ۳- از لحاظ روانی ← جرم مدنی ملکی است مبتنی بر غیر و تفسیر باشد در جرم کفیری حتماً عمد و تفسیر هست.
- ۴- از حیث ضمانت اجرا ← در جرم کفیری ضمانت اجرا معازات شخص است اما در جرم مدنی جبران خسارت زیان دیده و یا رفع ضرر از افراد است.

تفاوت جرم کیفری با جرم انتظامی یا تخلف

- جرم انتظامی ← نقض مقررات منفی یا نکرده‌ای که اشخاص به طبع عضویت در گروه آن مقررات را پذیرفته اند.
- ✓ در جرم انتظامی هیچ کدام از عناصر جرم کیفری نیاز نیست
- ✓ مبرع رسیدگی به جرائم انتظامی دادگاه های مخصوص انتظامی است.

عناصر تشکیل دهنده جرم

- ← عنصر قانونی
- ← عنصر مادی
- ← عنصر روانی (معنوی)
- ← مبرع عنصر ناحق را داخل کرده اند. با این مورد در جایی که تحقق مبرع کاری را انجام داده باشد جرم به حساب نمی آید.
- این قسم چهارم در منبع موارد دیگر هست پس نیاز به ذکرش نیست.

چرا باید عنصر مادی به مردم بیان شود [یعنی گفته شود که فلان کار جرم است]؟
 زیرا در صورت عدم بیان، قبح بلا بیان است که یک مسئله عقلی است.

دلایل نیاز به عنصر قانونی :

- ۱- زیرا بر اساس اصل و قانون بودن مردم در رفتار خود سنجیده تر رفتار می کنند.
- ۲- کارکنان حکومت نیز آنگونه از حقوق مجازاتی تجاوز نکنند.
- ۳- تأمین عدالت می شود یعنی فرقی بین افراد از لحاظ مجازات وجود نخواهد داشت.
- ۴- تأمین آزادی که کرامت انسانی اقتضای می کند که جرم آزادی های افراد متخلف و تبیین شده باشد.

مقصد از عنصر قانونی چیست ؟

- ← قوانین یا صورتی و قوانین نوشته شده
- ← ملل قانونی و نگاشته شده ی قوانین صورتی هستند

محل قانونی

رویه قضایی [به مجموعه آراء و احکام که دادگاه صادر بر روی خاصی اجرائی کنند]

به معنای عام [لازم اجراء است]

به معنای خاص [لازم اجراء است] ← وحدت رویه

آراء اصراری فقط

برای دادگاهی که به آن ارجاع شده لازم الاجراء است.

عرف، عاداتی که بین مردم به عنوان یک قاعده الزام آورده باشد.

مثلاً خرید برای اشیاء قیمتی ماده ۳۰۰ این دادرسی کیفری

منابع فقہی یا فتاوی معتبر مثل شافعی فرد سنی

عنصر قانونی

اصل، قانون بودن مجرم و مجازات است ← یعنی باید مجرم و مجازات در قانون مشخص شده باشد.

تفسیر مضمون قانونی [در موارد ابهام، اجال، تناقض و ... قانون، ما مجبور به تفسیر قانون

می شویم] پس باید تفسیر ما دایره اشع محدود باشد یعنی منتهی باشد.

پس باید دایره ای آن قانون را محدود کنیم. مثلاً ماده ۶۹۸ ق.م.ا. که اگر بخواهیم آن را منتهی بگیریم باید بگوییم که مثلاً شامل تلویزیون نمی شود پس قانون منتهی شد اما اگر وسیع بگیریم شامل تلویزیون هم می شود. لا باید قانون به هیچ منتهی تفسیر شود.

تفسیر ب نفع متهم

تفسیر لفظی [در همه جا کارایی ندارد] و مادر چهار چوب الفاظ متن قانون

منحصراً هستیم. یعنی منتهی دقیقاً قانون تزار هم چیزی بیان نکرده

تفسیر غایی و خاصی باید نوشته اند که نیست واقعی و غرض اصلی قانون

تزار را در باید. در این مورد ممکن است قانون به ضرر متهم باشد. یعنی اگر مثلاً در زمان قانون تزار تلویزیون بود، آن را هم در قانون می آورد ولی چون نبود ذکر نشده است.

تفسیر قیاسی و موارد مورد نظر را با موارد مشابه که در قانون بیستوان

جرم ذکر شده قیاس کنیم البته در صورتی که توان قیاس را

جاری کرد که علت جرم بودن ذکر شده باشد و هم در غیر این صورت قیاس جاری است .
 [م بیان دیگر: سببیت دادن حکم مصلح در قانون به موضوعی مکتوت الحکم به جهت علیت مشترک]
 مثل اینکه قانون گذار مصرف سوار خودرو را تریاک و ... را ممنوع اعلام کرده است اما پس از گذشت
 زمان ماده ی دیگری به نام شیشه وارد بازار می شود در این صورت اگر بخواهیم این ماده ی نو هم زارا
 در ماده قانون قرار دهیم به این تفسیر قیاس گفته می شود

یک اصل در قوانین کیفری و مدنی :

حکم عطف به ما سبق نمی شود مگر اینکه در قانون مقررات خاصی در باره این موضوع اتخاذ شده باشد
 بدلیل قوانین جدید نمی شود رفتارهای گذشته را مورد مواخذه گذاشت . اصل ۱۶۹ ق. اساسی
 ماده ۱۰ ق. مجازات اسلامی .
 مثلاً در خصوص در سال ۱۳۹۰ آب دهان بزرگین انداخته باشد و در سال ۱۳۹۱ این کار جرم باشد این
 تخفیف را به خاطر کار می که در سال ۱۳۹۰ انجام داده است مجازات نمی کند .

قوانین شکلی : قوانینی که به تعدد جرم و میزان سنگینی کیفری مدتک جرم ورود نداشته و
 ناظر به تعقیب جرم ، جرمیان ، دادرس ، طرق استدراج به احکام و قراردادهای
 کیفری است . [قوانینی که به شکل رسیدگی و بدست آوردن حق و تکلیف می پردازد]
ماهوی : قوانینی که حق و یا تکلیف را ایجاد می کنند .

این اصل مربوط به قوانین ماهوی است مگر در چند مورد . بین قوانین شکلی نوعاً عطف به ما سبق می شوند .
 درهایی که عطف به ما سبق جایز نیست قوانین جدید جاری نمی شود بلکه طبق قانون قدیم حکم می کنیم
 و پس درهایی که عطف به ما سبق جایز باشد از قانون جدید استفاده می کنیم .

استثنائات ماهوی [عطف به ما سبق می شود] : این استثنائات در قوانین موقت جاری می شود .

- ۱- درهایی که تخفیف در کار باشد
- ۲- در لغو مجازات د جرم زدایی

۳- مساعده به حال مذکور باشد [در تخفیف فقط به جنبه مجازات نگاه می‌گردد اما در این مورد وضعیت مستقیم در نظر است]

نکته:

در جرم زردی اگر قبلاً در گذشته جرم بوده است و موجب قانون لاحق جرم شناخته نشود، حکم قطعی ابراهار شده باشد، حکم قطعی ابراهار نمی‌شود، و اگر در جریان ابراهار باشد ابراهار متوقف می‌شود و اگر ابراهار شده باشد اثر کفری حذف می‌شود.

سوال برای تخفیف ← قانون مجازات اسلامی بند ۱۰: اگر مجازات جرم موجب قانون لاحق تخفیف یابد قاضی ابراهار احکام موظف است قبل از شروع ابراهار یا در حین ابراهار از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، اصلاح آن را طبق قانون جرم تقاضا کند. محکوم نیز می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم، تخفیف مجازات را تقاضا نماید. دادگاه صادرکننده حکم با لحاظ قانون لاحق، مجازات قبلی را تخفیف می‌دهد.

جرم مستعد ← دایره عناصر جرم به یکباره بوجود می‌آیند و آثار آن ادامه دار است مثل دیوار گشته که برای مدتی دیوار کشیده شده و همه آثار ادامه دار است.
بیایید رسوایی فاعل هر لحظه تجدید می‌شود مثل اینکه تخفیف لباس تقاضا را می‌پوشند و در نمی‌آورند.

نکته: آخی

در جرائم عطف به ماسبق نمی‌شود و جرائم مستعد دائمی عطف به جرائم آخی می‌شوند.
اگر تخفیف جرم بیایم انجام دهد که در سال ۱۳۹۵ جرم نبوده و در ۱۳۹۶ جرم شده اگر این کار را ادامه داد و به قانون جدید رسید قانون جدید بر این تخفیف حاکم است.
اگر در قانون جدید برای جرم زمان مشخصی در نظر گرفته شده باشد باید این جرم هم در زمان جدید انجام شود و نمی‌توان جرائم ماقبل را به آن عطف کرد. مثلاً قانون جدید بگوید اگر تخفیف تا ۲ سال فلان کار را انجام دهد فلان جرم را دارد، حال تخفیف فلان کار را بکمال در قانون قدیم انجام داده و بکمال در قانون جدید، این حکم شامل این تخفیف نمی‌شود.

جریم به معادیت

یعنی آنقدر شخصی آن جریم را مرتکب شود که توسط آن معادیت برده است. مثلاً اگر فردش اموال
مدرسه معادیت شود فلان مجازات را دارد.

نکته:

توانش شخصی عطف به ماسبق می‌شوند [ماده ۱۱ ق. ۱۰۴۰]

توانش شخصی ← قوانین مربوط به تکلیفات و صلاحیت ← تکلیفات سابق منحل شده پس طبق تکلیفات جدید

پرونده رسیدگی می‌شود

قوانین مربوط به نحوه دادرسی: طبق قانون

جدید اجرا می‌شود مثلاً اگر در مردود زمان ۱۰

سال بود در قانون جدید ۸ سال بلافاصله

۸ سال اعمال می‌شود، البته در صورتی عطف به ماسبق

می‌شود که به نفع متهم باشد.

موانع مسئولیت کیفری:

- ۱- عوامل موجب جرم: (دلیل عینی) مثل اضطراب، رضایت مجنی علیه، دفاع مشروع، علم قانون را امر امر و...
- ۲- عوامل رافع مسئولیت (دلیل شخصی) مثل جنون، صغیر بودن و...
- ۳- معاذیر قانونی: قانونگذار خاطر مصلحت مجرم را مجازات نمی‌کند مثل همکاری شخص با پلیس و...

نکته: در مورد اول عنصر قانونی زائل می‌شود ولی در دوم عنصر قانونی زائل نشده بلکه خاطر مشکل شخص، شخص را

مجازات نمی‌کنیم.

تفاوت ابراه و اضطراب

در ابراه مجرم مستقیم برای وادار کردن شخص بر امر انجام کاری وجود دارد اما در اضطراب مجرم از ناحیه
شخص دیگری بلکه در نتیجه اوضاع و احوال خاصی است که بر شخص فشار می‌آورد مثل تنگدستی، بیکاری،
بیماری، بدهکاری و...

نکته: اضطرار تا جایی جایز است که منجر به قتل نشود پس در این صورت جرم نیست اما توابع آن مانند ضمان و... را باید دنبال دارد یعنی اگر خسارتی رخ داده باشد از شخص گرفته نمی‌شود. ماده ۱۵۲ ق.م.ا.اسلامی

نکته: افرادی که در مقابل خطر آنه تعدد داده اند نمی‌توانند بخاطر اضطرار از آن دوری کنند مانند آتش نشانی که نمی‌تواند بگوید من از این ساختمان در حال سوختن دوری می‌کنم چون اضطراری برای من حاصل شده.

حکم قانون و امر آمر قانونی و اجازه ماده ۱۵۸ ق.م.ا.اسلامی

حکم قانونی و یعنی قانون گذار اجازه به محلی داده و برای انجام دوباره ی آن به اجازه ی جدیدی نیاز نیست مثل دستگیری سارق

امر آمر قانونی و علاوه بر حکم قانونی باید یک فرد هم به شخص امر کرده باشد تا آن فرد آن کار را انجام دهد مثل ورود به منزل جهت تحقیق

اجازه قانونی و خود قانون به ما اجازه داده تا در حدود قانونی محلی را انجام دهیم مثل آب کردن کورک.

رضایت مجنی علیه

در برخی موارد رضایت مجنی علیه جرم بودن محل را برمی دارد مثل اینکه اجازه دهم تا مالم را بزدند.

نکته:

در بعضی از موارد علاوه بر رضایت نیاز به برائت هم هست مانند محمل جراحی که پزشک اگر از من رضایت نامم بگیرد این محمل برای او مباح است اما اگر بر من فشارت وارد کند باید جبران خسارت کند ولی اگر هم رضایت و هم برائت بگیرد دیگر پزشک در صورتی که کوتاهی نکرده باشد و تمام تلاش خود را به کار برده باشد ضامن نیست. اصل این است که رضایت جرم را زایل نمی‌کند مگر اینکه عناصر تکلیلی دهنده جرم را زایل کند یا آنکه رضایت شرط اتمام این باشد که قانون گذار آن اجازه را داده باشد.

عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن: ماده ۱۵۸ ق.م.ا.اسلامی

عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن معازات ندارد مشروط بر اینکه سبب حادثه نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم مغایر موازین شرعی نباشند.

نکته: برای ورزش تعریف خاصی در قانون مقرر نشده است و باید به عرف عام رجوع کرد.

یا مالی است یا جانی

حوادث ناشی

یا به ورزشکار است و یا به سایرین

ماده ۱۵۸ ق.م.ا.اسلامی ورزشکار را شامل می شود و سایر افراد مانند تماشاگران را شامل نمی شود.

شرط عملیات ورزشی

۱- در اثنای ورزش باشد

۲- آن محل جزء حرکات آن ورزش باشد

۳- خود ورزش باعث نقض مقررات نگردد.

مثل مسابقات اتومبیل رانی که نمی توان آن را توسط ضربه بان برگزار کرد بلکه باید در مکان مشخص شده برگزار شود.

نقض مقررات یا از جانب ورزشکار است و خود ورزشکار مقصود است و مجازات

می شود.

از جانب مسئولین است و ورزشکار علم به نقض دارد: خود

ورزشکار مقصود است.

۴- این ورزش و مقررات مغایر موازین شرعی نباشد.

ورزشکار علم به نقض ندارد: مسئولین مقصود هستند.

سوال: آیا این ماده به صورت عام وضع شده و یا به صورت خاص [نقش الودر حین ورزش

منارتم به نقض وارد شد آیا این ماده هم مجازات را بر همه دارد و هم دیر را و یا

فقط مجازات را بر همه دارد و ورزشکار باید دیر را برداشت کند.

جواب: این ماده قانوناً فقط مجازات را بر همه دارد و ورزشکار باید دیر را برداشت کند پس

این ماده به صورت خاص وضع شده است.

دفاع مشروع : ۱۵۶ ق.م. اسلامی

هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی من خود یا دیگری [در برابر هرگونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریب الوقوع با رعایت مراحل دفاع] مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می شود با رعایت شروط مجازات نمی شود.

نکته:

اگر شخصی می تواند از خود دفاع کند از خودش دفاع نکند و بر او جرح احصی وارد نشد جراح ضامن است و نمی تواند بگوید بر خودش دفاع نکند.

اگر شخصی بر شخص دیگری جنایت وارد کرد و شخص مجروح می توانست به بیمارستان رجوع کند ولی با این حال رجوع نکند، شخص جراح ضامن است.

شروط دفاع مشروع

۱- تجاوز فعلی یا قریب الوقوع باشد مثل اینکه شخص به شما حمله و یا در حکم حمله باشد [مبنی تجاوزی را که در آینده صورت می گیرد شامل نمی شود]. هم چنین اگر تجاوز رخ داده و شما بعد از آن متوجه شده اید این دیگر دفاع نیست بلکه مجازات است. مثلاً اینکه شما بعد از تجاوز به دختر همسایه شخص متجاوز را کتک بزنید.

سوال: اگر شخصی می تواند فرار کند آیا دفاع واجب است و یا اینکه باید فرار کند؟

جواب: در دفاع مشروع فرار نکردن هیچ ضرورتی ندارد بلکه حتی شخص می تواند متغیرب می قتل شود.

۲- رعایت مراتب دفاع که یعنی همان اول کار شخص را نمی توان کشت []

سوال: اگر نتوان مراتب دفاع را رعایت کرد و مثلاً همان اول کار شخص را کشت حکم چیست؟

جواب: در این صورت باید شخص قاضی را متقاعد کند که این راهی که انتخاب کرده ام بهترین راه بوده است.

نکته:

اگر بتوان سبب تجاوز را از متجاوز گرفت دیگر اقدامات بعدی تحت دفاع نمی آید؛ مثل اینکه شما چاقو را از متجاوز بگیرید و او دیگر هیچ کاری نتواند بکند. اگر شما در این حالت به او ضربی اضافه ایمی بزنید این دیگر دفاع نیست.

۳- تجاوز غیر قانونی باشد [یعنی مثلاً در جامه که پلیس حکم جلب و دستگیری فردی را دارد دفاع مشروع معنی ندارد.]

۴- دفاع باید ضرورت داشته باشد که بین متلا در جایی که نیروی انتظامی در ۲۰ متری شما هستند
دفاع معنی ندارد بلکه با کوچکترین آزاره مأمورین مراخذ می کنند.

۵- دفاع برای رفع تجاوز و خطر ناشی از رفتار غیر باشد.
یعنی شما برای رد تجاوز ابتدایی از خود دفاع کنید پس در جایی که اول من تجاوز کرده ام و بعد دیگری به من
حمله کرده دیگر برای من دفاع معنی ندارد مثل حمل دزد که دفاع برای دزد معنی ندارد زیرا او اول
تجاوز کرده است.

انواع تجاوز

تجاوز یا به نفس است اعم از فعل و یا ترک فعل فعل مثل علم به شخص، ترک فعل مثل غذا ندادن به

شخص

به مال است چه منقول و چه غیر منقول مال چه بخواهد بدزدد و یا اینکه غضب کند

تجاوز به عرض و آبرو مثل الفاظ رکیک گفتن به شخص یا مثل خشن بردن علیه کسی شخص

تجاوز به ناموس بسین رابطه نامشروع جنس با غیر به زور

تجاوز به آزادی هر کاری که انسان را از آزادی منع کند

سوال: دفاع در مقابل الفاظ رکیک چیست؟

جواب: در این مورد باید به عرف رجوع کرد.

نکته مهم: در دفاع مشروع علاوه بر اینکه جرم نیت هیچ گونه مسئولیت مدنی هم ندارد یعنی دیه ندارد، زنجان
ندارد و...

در دفاع مشروع اگر شخص از دفاع تعوی کرد یعنی مثلاً فقط قطع کردن دست کافه بود و شخص
پای سباز را هم قطع کرد در این جا این پای قطع شده فقط دیه دارد.

عنصر مادی:

عنصر مادی یعنی رفتار و حالت

حالت : مثل اینکه قانون نثار برای حالت اعتیاد مجازات را گذاشته باشد .

فیزیکی : مثل قتل

رفقار ← فعل ← غیر فیزیکی : مثل داد زدن که منجر به قتل شخصی می شود

ترک فعل ← محض : مثل ترک کمک به مصدومین

ناشی از فعل : مثل اینکه شخصی را از ترانه کنیم و به او غذا ندهیم در این جا غذا دادن بر من واجب نبوده ولی چون شخصی را از ترانه کرده ام این غذا دادن بر من واجب شده پس این ترک فعل در اثر انجام فعل من بوده است .
ناشی از تعویذ بین تعویذی داده ولی آن تعویذ را ترک کرده است .

ماده ۲۹۵ ق.م. اسلامی

مثل جنات غیره کم به وظیفی خود محل نلند

رفقار ماده از حیث دوام

- ۱- آجی : مثل خفه کردن ، ضرب و جرح ، سرقت و ...
- ۲- مستمر : مثل پوشیدن لباس نپوشیدن برون مجوز ، اخفای مال مسروقه و ... ماده ۶۶۲

فایده بی تقسیم

۱) از حیث رسیدگی به جرم : در جرم آجی فقط حوزه قضایی می تواند پرونده رسیدگی کند که این جرم آجی در آن حوزه اتفاق افتاده باشد . اما در جرم مستمر هر حوزه قضایی که این جرم در آن اتفاق افتاده است می تواند این پرونده رسیدگی کند . مثال : حوزه قضایی ۱ : حوزه قضایی ۲ : من اگر در حوزه قضایی ۱ لباس نظامی را پوشیده و در حوزه قضایی ۲ رفته باشم ، هم حوزه قضایی ۱ و هم حوزه قضایی ۲ صلاحیت رسیدگی به جرم را دارند .

۲) از حیث مرور زمان : در جرم آجی از همان لحظه بعد از جرم مرور زمان شروع می شود ولی در جرم مستمر از زمانی که شخص از جرم دست کشد مرور زمان آن شروع می شود یعنی اگر شخصی ۳ سال این جرم را انجام می داده مرور زمان از بعد از ۳ سال شروع می شود نه از همان شروع به جرم .

۱۳ از حیث عطف به ماسبق [یعنی از حیث تأثیر قانون جدید] : در جرم آنی مجازات در زمان خوردن انجام می شود اما در جرم مستمر قانون جدید شامل آن می شود البتہ در صورتی که این جرم مستمر بیاین باشد .

رفتار مادی از حیث شمار

رفتار مادی [آنی - مستمر] از حیث شمار ← جرم ساده : از یک فعل مستقل شده مثل سرقت ، پوشیدن لباس نیروی انتظامی

← جرم غیر ساده : جرم مرکب : (انجام افعال متفاوت)

- ۱) توسل به وسایل متعلقه
- ۲) حقیق مال

← جرم به عادت : (تکرار فعل معین)
مثل کسی که تکیه کوبی را حرفه ای خود قرار می دهد ماده ۷۱۲ و ۷۰۸ ق.م.ا.اسلام

نکته: در جرم ساده مرور زمان از بعد از فعل شروع می شود اما در جرم مرکب مرور زمان از زمانی شروع می شود که تحقق فعل را به پایان رسانده باشد حال ممکن است از لحظه شروع تا پایان آن یکسال طول بکشد مانند کلاهبرداری .

هم چنین در جرم به عادت مرور زمان از بعد از عادت تحقق شروع می شود پس اگر یک بار جرم را مرتکب شده باشد مرور زمان ، زمانی شروع می شود که تحقق چند بار دیگر مرتکب آن شود که به آن عادت کند و بعد از عادت مرور زمان شامل آن می شود .

نتیجه ی رفتار مادی

جرم یا ← مطلق است (بدون نتیجه) ۵۱۸ و ۵۱۹ ق.م.ا.اسلام یعنی نیاز نیست فعل انجام شود تا بلویم جرم است مثل قتل رئیس جمهور که حتی نقشه ی قتل رئیس جمهور جرم است ولو اینکه هنوز اقدام به قتل نکرده اید .
← مقید است (به نتیجه) : باید حتماً فعل انجام شود تا جرم باشد مثل قتل فرد عادی که تا او را نلخته اید جرم مرتکب نشده اید ولو اینکه مقدمات را حاصل کرده اید .

تصمیم به جرم ← اعمال مقدمات ← اعمال اجرائی ← جرم [نتیجه] .
در بعضی موارد تصمیم بر انجام جرم و جرم محسوب می شود ولی گاهی اوقات اعمال اجرائی هم جرم است
چه رسد به تصمیم به جرم بلکه باید حتما جرم انجام شود .
مثل نقشه برداری بر اندازی نظام که جرم است اما اقدام برایش در دس مثل اینکه نزدیکان را به دیوار
تکلیه دهد و از دیوار بالا رود که در این جا جرم نیست اما قابل پیگیری است .

اگر شخص تمام مراحل را طی کرد اما جرم محقق نشد در این صورت اسلامی
یا ← جرم محال است : یعنی اصلا جرم امکان نداشته مثل شلیک به هوازه تبصره ماده ۱۲۲ ق.م.
← جرم عقیم است : یعنی جرم امکان داشته اما شخص نتوانسته آن را انجام دهد مثل
عدم محاربت در انجام جرم . در این مورد ماده قانونی وجود ندارد